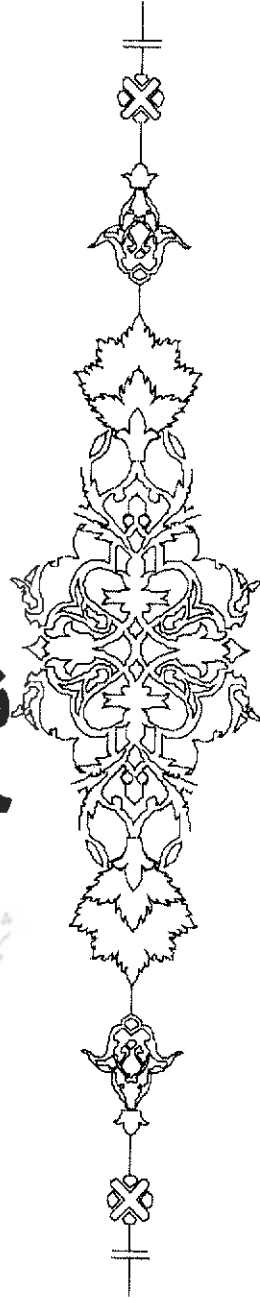


# نگاهی به زندگینامه و آثار خواجه نصیر الدین طوسی

محمد علی جوان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



محمد بن محمد بن الحسن الطوسی مشهور به خواجه طوسی در یازدهم جمادی الاولی به سال ۵۹۷ هجری قمری، در مشهد طوس پا به عرصه وجود نهاد و در همان شهر نشوونما کرد. پدرش محمد بن الحسن الطوسی او را به نام خویش (محمد) نام نهاد و بعد مکتبی به ابو جعفر و ملقب به نصیرالدین گردید.

خواجه که از رجال بزرگ عالم و از مفاخر ایران است چون ستاره درخشانی در افق تیره و تاریک عصر تاخت و تاز مغول، روشنایی بخش جهان گردید. و عالم را به نور دانش و حکمت و تدبیر خویش نورانی کرد. و در آن دوره ظلمت که مردم از ترس شمشیر این طایفه خونخوار در بیم و هراس بودند جلوه گری کرد و گیتی را در پرتو علم و دانش خویش، روشن و کاخ علم و فضل را استوار ساخت.<sup>۱</sup>

نظریات علما درباره خواجه طوسی:

خوانساری در روضات الجنات می گوید: «خواجه، حکیمی است متکلم و سیاسی و نابغه بی نظیر، اقلیدس زمان، بطلمیوس دوران و ارسطالیس دهر.»  
حاجی خلیفه در کشف الظنون او را در مرتبه طبقه اول از مصنفین قرار داده است و می گوید او را بر جمیع اهل عالم حقی است ظاهر و رعایت او واجب است.  
محمد بن شاکر که از مورخین نزدیک به زمان وی است، اخلاق خواجه را چنین توصیف می کند: «خواجه بسیار نیکو صورت و خوشرو و کریم و سخی و بردبار و خوش معاشرت و زیرک و با فراست و یکی از دُهاات روزگار به شمار می رفت.»<sup>۲</sup>  
شیخ عباس قمی در هدیه الالهباب او را چنین معرفی می کند:

«حجة الفرقة الناجية محمد بن محمد بن الحسن الطوسی الجهرودی القمی سلطان العلماء و المحققین و افضل الحكماء و المتكلمین ممدوح اکابر الافاق و مجمع المکارم الاخلاق الذی لا يحتاج الى التعریف لغاية شهرته مع ان کَلَمًا یقال فیه دون رتبته.»  
عَلَمه حَلّی که یکی از شاگردان خواجه است می گوید: «و کان هذا الشیخ افضل اهل عصره فی العلوم العقلية و التقلیية و له مصنفات کثیرة فی العلوم الحکمیة و الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة و کان اشرف من شاهدناه فی الاخلاق، قرأت علیه الهیات الشفاء لأبی علی بن سینا و بعض التذکرة فی الهیئة تصنیفه.»

وی در روز غدیر سال ۶۷۲ هجری قمری وفات کرد و در کاظمین در بقعه کاظمیه در جوار امامانش به خاک سپرده شد. در تاریخ وفات او به فارسی گفته شد:

## نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل

یگانه‌ای که چو او مادر زمانه نژاد

بسال ششصد و هفتاد و دو بذی الحججه

بروز هیجدهم در گذشت در بغداد<sup>۳</sup>

### زندگی علمی خواجه:

حیات علمی او نزد دایی او بود و جلد سوم کتاب «الفیه» ابی المکارم ابن زهره حلبی را نزد معین‌الدین سالم بن بدران مازنی مصری خواند و در سال ۶۱۹ هجری قمری به او اجازه داد. ناگفته نماند که خواجه طوسی از چند طریق اجازه نقل حدیث دارد که یکی از آنها سالم بن بدران و دیگری را از پدرش گرفته است و سلسله روایتی او به شیخ طوسی می‌رسد.

خواجه طوسی به نیشابور رفت و اصول، کلام، حکمت و اشارات را نزد فریدالدین داماد، ریاضی را نزد کمال‌الدین یونس، اصول فقه را نزد سالم بن بدران فرا گرفت. و نیز مدتی نزد شیخ عطار نیشابوری (وفات در سال ۷۲۶ هجری قمری) تلمذ کرد تا اینکه حمله مغول آغاز شد و سلطان محمد خوارزمشاه فرار کرد و فقط قلاع اسماعیلیان و فداییان اسماعیلی مقاومت کردند و خواجه به دعوت حاکم قهستان، ناصرالدین عبدالرحیم بن منصور، به آنجا رفت و «اخلاق ناصری» را برای او نگاشت.

سپس پیشوای اسماعیلیه، علاءالدین میر محمد، او را به قلعه میمون دژ از قلاع رودبار الموت دعوت کرد و به آنجا رفت تا اینکه علاءالدین به دست یکی از محافظان خویش کشته شد و او پس از آن به صحبت پسر او رکن‌الدین در آمد تا اینکه رکن‌الدین پس از حمله مغول به فرماندهی هلاکو خان و سقوط الموت در سال ۶۵۳ هجری قمری تسلیم مغولان شد و پس از یک ربع قرن زندگی با اسماعیلیان، در همدان به هلاکو خان پیوست.<sup>۴</sup>

منزلت خواجه نزد هلاکو به قدری بود که به هر چه اشاره می‌فرمود، هلاکو از او اطاعت می‌کرد. خواجه پس از پیوستن به هلاکو پیوسته در تحقیقات علمی بسر می‌برد و کتابخانه او در مراغه بیش از چهار صد هزار کتاب داشته است.<sup>۵</sup>

مخفی نماند بر اساس نقل کتاب «درة الاخبار»، فداییان اسماعیلی او را در اطراف نیشابور دستگیر کرده، تهدید به قتل کردند و با خود به قلعه بردند و او سال‌ها به عنوان اسیر در آنجا مقیم بود.

مرحوم صدر نیز در کتاب «تأسیس الشیعه» می‌گوید: در قلعه دیلم زندانی بود که مغولان، قلعه را تصرف نموده، او را آزاد کردند و به علت تسلط او بر نجوم، در زمره وزرای آنان در



آمد. خود خواجه در «شرح اشارات» (۶۴۰ هجری قمری) به این حالت اشاره نموده است. در توصیف حال خود می‌گوید:

به گرداگرد خود چندان که بینم

بلا انگشتی و من نگینم

پس از این مرحله به هلاکو، تشیع اثنی عشری را اعلام می‌کند و در سمت وزارت، علاوه بر اینکه مغولان را مسلمان کرد، جلوی تعدیات آنان به مسلمین را نیز گرفت.

رصدخانه مراغه:

بزرگ‌ترین عامل شهرت خواجه نصیر، تأسیس رصدخانه معروف مراغه بود که به تنظیم جداول نجومی مشهور به «زیج ایلخانی» پرداخت که صرف نظر از توسعه ریاضیات در سه جنبه دیگر نیز مهم بود:

۱- نخستین رصدخانه‌ای بود که هزینه آن از موقوفات بود و همین امر مایه دوام آن شد؛ برای فلاسفه روزی سه درهم، اطبا روزی دو درهم، فقها یک درهم و برای محدثان هم روزی نیم درهم مقرر تعیین کرد.

۲- همان طور که ابن طفیل، مایه رشد حکمت و علم در غرب شد، خواجه نصیر نیز با توجه به تخصیص دادن موقوفات، مراغه را به مرکز علم و دانش تبدیل نمود.

۳- تأسیس کتابخانه بزرگ با بیش از ۴۰۰ هزار جلد کتاب که در آن عصر بزرگ‌ترین خدمت به فرهنگ بود.<sup>۶</sup>

آثار علمی خواجه طوسی:

بروکلمن آلمانی در تاریخ ادبیات راجع به دانشمندان قرن هفتم که بحث می‌کند می‌گوید: «مشهورترین علما و مؤلفین این عصر، مطلقاً و بدون شک خواجه نصیرالدین طوسی است.»<sup>۷</sup>

۱- مهمترین اثر علمی خواجه چنانکه گفتیم رصدخانه مراغه است؛ اولین رصدخانه را ابرخس قبل از میلاد مسیح در یونان برپا کرد. در حدود سه قرن بعد از او، بطلمیوس در اسکندریه دائر نمود و پس از ظهور اسلام، اولین رصدخانه به امر مأمون، خلیفه عباسی در بغداد ساخته شد، سپس محمد بن جابر البتانی در اواخر قرن سوم در شام بنا نهاد و در مصر، رصدخانه حاکمی و در بغداد رصدخانه رضی بن الاعلم ساخته شد و زیج مستنبط از این رصدخانه‌ها مورد اعتماد منجمین بود. تا اینکه رصدخانه با شکوه مراغه را دانشمند طوسی به اتفاق چند نفر دیگر از دانشمندان شهیر آن عصر در سال ۶۵۷ هـ.ق به امر هلاکو ساخت.<sup>۸</sup>



خواجه طوسی در مقدمه زیج ایلخانی، نام دانشمندی را که در رصدخانه مراغه شرکت داشتند ذکر کرده است مانند: مؤیدالدین عرضی، فخرالدین مراغی، فخرالدین اخلاطی، نجم‌الدین دبیران. (۹)

آثار خواجه در ریاضی:

۲- تحریر اقلیدس ۳- الرساله الشافیه عن الشک فی الخطوط المتوازیه. ۴- تحریر مجسطی ۵- کشف القناع عن اسرار شکل القطاع ۶- تحریر کتاب ما نالوس فی الاشکال الکریه ۷- تحریر اکرثاوذوسیوس ۸- تحریر کتاب مأخوذات ارشمیدس ۹- تحریر کتاب المناظر ۱۰- تحریر کتاب المساکن ثاوذوسیوس ۱۱- تحریر کتاب الكرة المتحرکه ۱۲- تحریر کتاب ثاوذوسیوس فی الایام و اللیالی ۱۳- تحریر کتاب ظاهرات الفلک ۱۴- تحریر کتاب اوطولوقس الطلوع و فی الغروب ۱۵- تحریر کتاب اسقلاوس فی المطالع ۱۶- کتاب ارسطرخس فی جرمی النیرین و بعدیهما ۱۷- تحریر کتاب المفروضات ۱۸- تحریر کتاب معرفه مساحه الاشکال البسیطه و الکریه ۱۹- تحریر کتاب المعطیات ۲۰- تحریر کره و اسطوانه ارشمیدس ۲۱- ترجمه ثمره الفلک ۲۲- کتاب انعکاس الشعاعات ۲۳- تذکر نصیریّه در هیئت ۲۴- ترجمه صور الکواکب ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر بن محمد بن سهل صوفی ۲۵- رساله در شعاع ۲۶- رساله معینه در علم هیئت ۲۷- زیج ایلخانی ۲۸- بیست باب در معرفت اسطرلاب ۲۹- زبده الهیئه در هیئت و استکشاف احوال افلاک و اجرام ۳۰- سی فصل در هیئت و معرفت تقویم ۳۱- رساله در حساب و جبر و مقابله ۳۲- زبده الادراک فی هیئت الافلاک ۳۳- مدخل فی علم النجوم ۳۴- صد باب در معرفت اسطرلاب ۳۵- استخراج قبله تبریز.

مؤلفات خواجه در اخلاق:

۳۶- اخلاق ناصری ۳۷- اوصاف الاشراف ۳۸- ترجمه کتاب اخلاق ناصر الدین محتشم.

تفسیر:

۳۹- تفسیر سوره الاخلاص.

استاد محترم آقای مدرس رضوی در صفحه ۳۲۱ شرح حال خواجه طوسی، تفسیر سه سوره اخلاص و معوذتین را که منسوب به محقق طوسی است معرفی کرده‌اند.

معدن شناسی:

۴۰- «تسوق نامه ایلخانی» به زبان فارسی که به نام هلاکو نوشته است و آن در معرفت احجار کریمه و انواع عطریات است. در گنج دانش مسطور است که در تواریخ از معدن فیروزه کمتر ذکری کرده‌اند قدیمی‌ترین تفصیلی که دیده شده در رساله تسوق نامه ایلخانی است.



### تاریخ:

۴۱- محقق طوسی واقعه بغداد را به فارسی نوشته است. این رساله در ذیل تاریخ جهانگشای جوینی در اروپا چاپ شده و در ایران نیز در مجله تقدم به طبع رسیده است.

### فقه:

۴۲- جواهر الفرائض.

### جغرافیا:

۴۳- ترجمه مسالک و ممالک صور الاقالیم، تألیف ابوزید سهل بلخی به خواجه منسوب است. ۴۴- رساله‌ای در بیان صبح کاذب که نسخه آن، ضمن مجموعه نفیسی در کتابخانه مدرسه سپهسالار به شماره ۲۹۱۱ موجود است.

### طب:

۴۵- تعلیق‌های بر قانون ۴۶- جواب پرسش‌های قطب‌الدین شیرازی راجع به قانون بوعلی ۴۷- رساله‌های چندی که در جواب اشکالات کاتبی بر قانون نوشته است. ۴۸- جواب خواجه به سؤال یکی از حکما درباره تنفس.

### خطابه:

۴۹- دوازده امام که استاد حجت هاشمی خراسانی آن را به ضمیمه کتاب دوازده امام ابن عربی چاپ نموده است. ۵۰- تبرا نامه در لعن و طعن بر اعدا و دشمنان آل محمد (صلی الله علیه و آله).

### ادعیه:

۵۱- ادعیه‌ای که ملا احمد نراقی در کتاب خزائن از قول خواجه نقل نموده است.

### تعلیم و تربیت:

۵۲- آداب المتعلمین. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### رمل:

۵۳- رساله در رمل ۵۴- مدخل رمل ۵۵- رساله‌ای در احکام دوازده خانه رمل.

### منطق:

۵۶- اساس الاقتباس ۵۷- تجرید المنطق ۵۸- تعدیل المعیار فی نقد تنزیل الافکار ۵۹- رساله مقولات (قاطیغوریاس)

### فلسفه:

۶۰- حل مشکلات اشارات ۶۱- رساله اثبات جوهر مفارق ۶۲- رساله فی العلم و العالم

و المعلوم ۶۳- بقاء النفس بعد فناء الجسد ۶۴- رساله‌ای در کیفیت صدور موجودات ۶۵- رساله‌ای در نفی اثبات ۶۶- الرساله النصیریه ۶۷- کلام در نفوس ارضیه و قوای آنها ۶۸- فائده در تعارف ارواح پس از مفارقت ابدان ۶۹- رساله خواجه طوسی در عقل ۷۰- العلل و المعلومات ۷۱- ربط الحادث بالقديم.

کلام:

۷۲- تجرید العقائد ۷۳- قواعد العقائد ۷۴- فصول نصیریه ۷۵- نقد المحصل (تلخیص المحصل) ۷۶- مصارع المصارع ۷۷- رساله‌ای در جبر و اختیار ۷۸- رساله‌ای در جبر و قدر به فارسی ۷۹- اثبات وحده الله (جل جلاله) ۸۰- اعتقادیه ۸۱- رساله در امامت ۸۲- اثبات واجب ۸۳- مقنعه ۸۴- آغاز و انجام ۸۵- رساله‌ای در اصول دین ۸۶- رساله‌ای در عصمت ۸۷- روضه القلوب ۸۸- روضه التسلیم ۸۹- رساله‌ای در تولد و تیرا ۹۰- رساله سیر و سلوک ۹۱- تحفه در معرفت نفس ۹۲- رساله‌ای در رسم و آیین پادشاهان قدیم ۹۳- ترجمه ادب الصغیر ابن المقفع ۹۴- رساله‌ای در معانی طبیعت.

خلاصه نزدیک به ۱۵۸ کتاب و رساله و مکاتبه به خواجه نصیر نسبت داده شده و چون قصد ما در این نوشتار اختصارگویی بود، به ذکر بعضی از آنها بسنده نمودیم. برای اطلاع بیشتر از آثار خواجه با کتاب سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، نگارش محمد مدرسی (زنجان‌نی) صفحه ۸۱- ۲۲۱ مراجعه شود.

برخی از نظرات و آراء خاصه خواجه:

- ۱- منطوق، علم است.
- ۲- دلالت لفظ بر معنا، تابع قصد و اراده است.
- ۳- تعریف مرکب از جنس و فصل که بر خلاف ترتیب طبیعی باشد، رسم است نه حد.
- ۴- در عکس مستوی، شرط بقاء صدق، فقط در صحت عکس کافی است و شرط بقاء کذب لازم نیست.
- ۵- مقولات عشر از مباحث منطقی نیست.
- ۶- علم حق تعالی، علم حضوری است نه حصولی، که همان اعتقاد حکما اشراق است.
- ۷- مکان عبارت از بُعد است؛ یعنی امتدادی است که دارای طول و عرض و عمق است؛ مانند درون کوزه که مکان برای آب است.<sup>۱۰</sup>
- ۸- خواجه طوسی اولین کسی است که حالات ششگانه را در مثلث قائم الزاویه استعمال کرد و آن را در کتاب خود به نام «الشکل القطاع» وارد ساخت. وی بر کتاب «شکل» مجسطی

انتقاد کرد که به تعبیر «سارتون»، این امر دلالت بر نبوغ وی داشت و همین انتقاد، اولین قدمی بود که سبب اصلاحات کوپرنیکی در آن شد و با نظام جدیدی که ساده‌تر از نظام بطلمیوس بود، نظام کواکب و ابعاد آنها را تعیین نمود.<sup>۱۱</sup>

پی‌نوشتها:

- ۱- اساس الاقتباس، خواجه طوسی، به تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، آذر ۱۳۶۱، چاپ سوم، صص ۱۳ و ۱۴.
- ۲- بررسی و داوری در مسائل اختلافی میان دو فیلسوف اسلامی، دکتر سید حسن حسنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، صص ۱-۲.
- ۳- هدیه الاحباب، شیخ عباس قمی، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۲، صص ۱۹۶-۱۹۵.
- ۴- تاریخ فلسفه اسلامی، اسحاق حسینی کوهساری، چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به انتشارات امیرکبیر، صص ۱۷۷.
- ۵- بررسی و داوری در مسائل اختلافی میان دو فیلسوف اسلامی، دکتر سید حسن حسنی، صص ۲.
- ۶- تاریخ فلسفه اسلامی خواجه نصیرالدین طوسی، اسحاق حسینی کوهساری، صص ۱۷۸.
- ۷- سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، محمد مدرس (زنجانی)، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، صص ۸۱-۸۲ همان، صص ۸۲.
- ۸- همان، صص ۸۷.
- ۹- بررسی و داوری در مسائل اختلافی میان دو فیلسوف اسلامی، دکتر سید حسن حسنی، صص ۱۱-۱۲.
- ۱۰- تاریخ فلسفه اسلامی، اسحاق حسینی کوهساری، صص ۱۸۴.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی